

..... غرّه فرقه علیّه علویه

شاه فلک تابع فیروز جنگ گلبن آن روضه فیروزه رنگ

سرور مه رایت به-رام جاه صفدر مهر آیت گردون پناه

داغ نه ناصیه سرکشان تیغ زن تارک گردنکشان

داور عادل دل عالی نسب والی کافی کف والا حسب

رفیع قدری که ارتفاع سده مناقب و اعتلاء عقبه مفاخر و مراتبش

در مرتبه‌ای است که نه سیاح وهم دورانیش پیرامن سرادقات شرح

آن تواند گشت و نه سبّاح عقل روشن رای گرد ساحل دریای بی پایان بیان

شمه‌ای از آن تواند گذشت . پایه قدر او از آن بیش است که توانم

ادای آن کردن، بلکه نتوان به صد هزار زبان عشر اوصاف آن بیان کردن.

..... خلافت و پادشاهی را مخصوص او ساخته و رایت حشمت و عظمت او

رادر ساحت قدرت «توئی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء» بر افراخته، ارادت ازلی زمام لطف و قهر «تعز من تشاء و تذلل من تشاء» به قبضه اختیار او باز داده و مشیت لم یزلی تاج سلطنت و کامرانی بر فرق شوکت و اقتدار او نهاده، همبسته مشعشع همای عرش نهمتش کنگره قصر عدالت و رأفت و شرفات حصن حصین رحمت و مرحمت بوده، شیمه کریمش رعیت پروری و سنجیه قدیمش عدالت گستری. اصناف عباد در ظلال عنایتش در کنف امن و امان و اکناف بلاد به میامن انوار معدلتش مصون از آسیب حوادث دوران،

لطفش به کرم چاره بیچاره کند عدلش ستم از زمانه آواره کند
در موسم عدل او صبا را نبود آن یاره که پیراهن گل پاره کند
همگی سمیر ضمیرش ترفیه حال رعایا و کلی مطالب خاطر دریا مقاطرش
تفریح بال برایا، کف کریمش ضامن ارزاق انام، وجود عمیمش کفیل
مصالح اهل ایمان و اسلام، عنوان صحیفه مکارمش تقویت شریعت
سید المرسلین، سردقتر دیوان مناقبش تمشیت احکام ائمه معصومین،
رای منیرش ثالث نیرین، پایه قدرش فرق فرق قدین، سایه چترش مسکن
خورشید تابان، گرد مر کبش سرمه چشم امید مظلومان، سلطان سلاطین
العرب و العجم مستخدم اعظم الاکسرة و الخواقین فی العالم مؤسس اساس
السلطنة و الخلافة علی احسن الاساس بعد ما ظهر الفساد فی البر و البحر
بما کسبت ایدی الناس الغازی فی سبیل الله، المجاهد لاعلاء کلمة الله
السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان السلطان
شاه طهماسب الحسینی لازال اعلام سلطنته و رفعتہ منصوبه علی محیط
الخضراء و اعداء دولته و شوکته معدومه عن بسیط الغبراء است که از
میامن مرحمتش انوار لطف و احسان و انهار رحمت و امتنان به مجالی

ظهور و مجاری عیان آمده و به اهتمام خدام ملائکک احترامش جداول
 زلال جود و کرم از مشرع کریمه «هذاعذب فرات سائغ شرابه» جاری
 گشته و از فیض مراحم بیدریغش کشتزار لب تشنگان وادی فقر و احتیاج
 و مزرع امید تلخ کامان به وادی «هذاملح اجاج» از جو یبار «واسقینا کم ماء
 فراتاً» سر سبز و سیراب شده درین اوقات خجسته ساعات و کیل شرعی
 نواب اعلی حضرت همایون اعلاه الله و خلد نفاذا مره وقف صحیح شرعی
 لازم جازم مو گد مو بد نمود بالعبارۃ الصحیحۃ المنطبقة علی قواعد الشرع
 الشریف و مقتضیاته قربۃ الی الله و طلباً لمرضاته آنچه در وقت انشاء
 وقف مذکور منسلک بود در سلك ملك نواب کامیاب و آن عبارت است
 از تمامی نهر مجدد واقع در اراضی بلدۀ طیبۀ حله سیفیه من اعمال عراق
 عرب جاری در مجری قدیم بائر که معدود بوده از جمله موات
 من نهر نهر معروف به شطنیل که منشعب است از آب فرات و حفر
 نموده و کلای آن اعلی حضرت است حفری مملک شرعی بر مشهدین
 مقدسین مطهرین منورین معطرین مرقدین علیین علوین فایقین
 از روی شرف بر نییرین و در علو قدر بر فرقدین که یکی از آن
 دو مشهد مقدس معروف است به مشهد غروی و آن دیگر مشهورست
 به حایری .

آن همچو مرده اهل صفا راست مستقر

وین همچو کعبه خلق خدا راست ملتجا

ایوان آن چو چرخ برین است مرتفع

در گاه این چو کعبه دین است باصفا

بر فرق چرخ خاک در این به جای تاج

در چشم عقل گردد ره آن چو نوتیا

زوّار آن به منزل توفیق راهبر

خدام این به وادی تحقیق رهنما

در طوف آن ز بهر شرف مرده و منا

در باب این «وہن دخلہ کان آمنا»

علی مشرفہما افضل الصلوات واكمل التسليمات ووقفیت نہر مذکور
مشہدین منورین قدس اساس واقع است بر ملاحظہ اخماس دوخمس از
آن بر مرقد معلای غروی و سہ خمس بر مشہد شہادت لوای **حایری**
کہ محصول و منافع آن صرف شود در مصالح و حوائج مشہدین مقدسین
کہ اہمّ آن عمارت و مرمت است و بعد از آن تہیّہ فرش و روشنائی از
قالی و حصیر و شمع و چراغ و سایر اسباب اضاعت و تنویر و بعد از آن مؤنّہ
دولتمندانی کہ سعادت ازلی و توفیق لم یزلی ممدّ و معاون ایشان گشتہ
شرف خدمت و ملازمت عتبتین علیتین بہ ایشان مفوض و مرجوع باشد و
ہمچنین مصالح جمعی دیگر از اعزہ و اشراف کہ بہ شرف مجاورت و اعتکاف
و ملازمت و مداومت طواف آن سیدین مستغنیین عن الاوصاف مشرف
شدہ بہ مطالعہ علوم دینیہ و مباحثہ معارف یقینیہ اشتغال داشتہ باشند
و اقامت مراسم اطاعات و عبادات بردوام و قراءت کلام ملک علام بر حسب
آنچہ لایق بہ حال ایشان باشد از روی عرف و عادت با امتیاز و ترجیح
اہل تدریس و افادہ، و ہمچنین مؤن حافظ خزانہ کتب و مصاحف و امام
راتب در صلوات و مؤن و خطیب عالم عارف و من جری مجراہم بہ امتیاز
من لہ نوع من التفوّق والتقدّم. و آنچه مذکور شد بعد از اخراج حقّ
التولیة متولی و حقّ السعی آن کسانی است کہ بودن ایشان جهت ضبط
آن سرکار لازم است و واجب از ضابط و کاتب و مباشر و محاسب بحسب
العرف والعادة بلانقصان و زیادہ والوکیل الذی اشیر الیہ فی مامضی

من الكلام هو حضرة شيخ الاسلام والبحر القم مقام ، علم الاعلام الاجل
 الافضل الهمام، مقتدى طوائف الانام الاعلم الاقدم والطود الاشم، حلال
 المشكلات، كشاف المعضلات، قطب فلك العلم والفتوى مرکز دايرة العلم
 والتقوى سلطان العلماء المحققين برهان الفقهاء المجتهدين، صاحب -
 التحقيقات الفايقة والتدقيقات الرايقة، كاسر اجنحة اهل الزيغ والضلال
 رافع الوية العلم والفضل والكمال، البازل جهده في تنقيح الحقايق بقدر
 الطاقة البشرية، الصارف حده في توضيح الطريقة المرضية الاثنى عشرية
 افضل المتقدمين واعلم المتأخرين، خاتم المجتهدين وارث علوم سيد -
 المرسلين ، حارس دين امير المؤمنين والائمة المعصومين صلوات الله
 وسلامه عليه وعليهم اجمعين، قدوة العلماء السراسخين، قبلة الانقياء
 المخلصين، مطاع الاشراف و مخدوم الاعالي، الشيخ زين الملة والدين
 والحقيقة والافاده والافاضة والاجلال علي بن عبدالعالي¹ لزال كاسمه
 السامي علياً وبدر قدرة علي فلك الافاضة والافادة جلياً .

وچون آن وقف همايون در تاريخ سنهٔ خمس وثلثين وتسعمائة
 سمت صدور يافت تاريخ آن بوجه مسطور ذيل مرقوم كلك قضا شد .
 شاه ظهاسب شاه عرش پناه كعبه دين و قبله ايمن
 پادشاهي كه چاكرانش راست گوي افلاك در خم چو كان
 بنده بندگان او فغفور خادم خادمان او خاقان
 ساخت نهري روان ز آب فرات كه بود رشك چشمه حيوان
 تا كند وقف كربلا و نجف از سر صدق و از ره احسان
 سال تاريخ آن خرد مي خواست كه نمايد عيان به حسن بيان
 نهر آب فرات كلك قضا زد رقم بي زيادت و نقصان